نفت و انرژی

شمارش معکوس بهره‌برداری از بلوک نخست فاز ۱۱ پارس جنوبی

مجری طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با تشریح وضع اجرای این طرح راهبردی، از برنامه‌ریزی برای دستیابی بلوک نخست این فاز به ظرفیت اسمی تولید طی ۳ ماه آینده خبر داد.

به گزارش زمان به نقل از شاذل فاز ۱۱ پارس جنوبی، به‌عنوان آخرین فاز توسعه‌ای بزرگ‌ترین میدان گازی جهان، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های راهبردی صنعت نفت ایران به شمار می‌رود که افزون‌بر اهمیت اقتصادی، به دلیل قرارگرفتن در مرزی‌ترین بخش میدان مشترک پارس جنوبی، نقشی تعیین‌کننده در صیانت از منافع ملی و افزایش سهم ایران از برداشت این مخزن مشترک ایفا می‌کند.

این پروژه با کارفرمایی شرکت نفت و گاز پارس به نمایندگی از شرکت ملی نفت ایران با ارزشی نزدیک به ۴ میلیارد دلار در حال اجراست. هدف نهایی این پروژه دستیابی به تولید پایدار روزانه ۲ میلیارد فوت مکعب گاز خام از این بخش راهبردی میدان مشترک است.

در چهارچوب برنامه توسعه فاز ۱۱ میدان مشترک پارس جنوبی، احداث و نصب تأسیسات دریایی در دو موقعیت مرزی و حفاری ۲۷ حلقه چاه به‌عنوان اهداف اصلی پروژه تعریف شده است؛ برنامه‌ای که با ورود تدریجی چاه‌های جدید به چرخه تولید، نقش مهمی در افزایش ظرفیت برداشت از میدان مشترک پارس جنوبی و کمک به بحران تقاضای گاز ایفا خواهد کرد.

کیوان طریقتی، مجری طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی، با اشاره به وضع اجرای این طرح بیان کرد: تاکنون ۱۱ حلقه چاه این فاز عملیاتی شده‌است و عملیات حفاری، تکمیل و اتصال دیگر چاه‌ها نیز مطابق برنامه ادامه دارد.

وی افزود: براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، با تکمیل عملیات حفاری و راه‌اندازی چاه‌های در حال اجرا، پیش‌بینی می‌شود بلوک نخست فاز ۱۱ طی ۳ ماه آینده به ظرفیت اسمی تولید بیش از ۲۸ میلیون مترمکعب گاز خام در روز، معادل یک‌میلیارد فوت مکعب برسد و پس از آن، پروژه وارد مرحله تثبیت تولید شود.

مجری طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی تصریح کرد: تحقق این ظرفیت، تنها به معنای افزایش تولید نیست، بلکه گامی مهم در مسیر صیانت از منافع ملی، افزایش برداشت از بخش مرزی میدان مشترک و تقویت امنیت انرژی کشور به شمار می‌رود؛ به‌ویژه آنکه این مقدار تولید، سهم قابل‌توجهی در تأمین گاز مورد نیاز کشور در فصل سرد سال خواهد داشت.

طریقتی گفت: همزمان با ادامه فعالیت‌ها در موقعیت کنونی، مقدمات اجرایی آغاز عملیات حفاری در موقعیت A فاز ۱۱ میدان مشترک گازی پارس جنوبی نیز در حال انجام است تا روند توسعه میدان بی‌وقفه ادامه یابد و برنامه‌های توسعه‌ای مطابق زمان‌بندی مصوب پیش برود.

استمرار توسعه در روزهای جنگ

یکی از مهم‌ترین مقاطع اجرای طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی، همزمانی بخشی از عملیات حفاری با جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی سوم بود؛ شرایطی که محدودیت‌های گسترده لجستیکی، افزایش مخاطرات عملیاتی و دشواری تأمین تجهیزات و پشتیبانی را به همراه داشت.

مجری طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با اشاره به این مقطع حساس گفت: با وجود همه محدودیت‌ها، تلاش شبانه‌روزی کارکنان عملیاتی، متخصصان فنی و نیروهای پشتیبانی سبب شد حتی در همان شرایط دشوار نیز ۲ حلقه چاه جدید عملیاتی شود و ظرفیت برداشت از میدان افزایش یابد.

طریقتی تأکید کرد: در تمام این مدت رعایت الزام‌های بهداشت، ایمنی و محیط زیست (اچ‌اس‌ای) در اولویت تصمیم‌گیری‌ها قرار داشت و همه دستورعمل‌های ابلاغی از سوی مراجع ذی‌صلاح با دقت اجرا شد؛ رویکردی که ضمن حفظ سلامت نیروی انسانی، از تجهیزات، سکوها و تأسیسات راهبردی پروژه نیز به‌خوبی صیانت کرد.

وی با بیان اینکه دستیابی به ظرفیت اسمی، پایان مسیر توسعه فاز ۱۱ میدان مشترک پارس جنوبی نیست، گفت: پس از تحقق تولید روزانه یک‌میلیارد فوت مکعب گاز از نخستین سکوی این طرح، پروژه وارد مرحله تازه‌ای خواهد شد که هدف آن تثبیت تولید، افزایش ضریب اطمینان تأسیسات و تضمین استمرار برداشت از میدان در بلندمدت است.

مجری طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی افزود: در این مرحله، عملیات حفاری در موقعیت کنونی ادامه خواهد یافت. چاه‌های باقی‌مانده تکمیل می‌شوند و ظرفیت‌های تازه نیز برای حفظ تولید پایدار آماده خواهند شد.

به گفته طریقتی، استمرار این برنامه‌ها، نقش آخرین فاز باقی‌مانده را در تأمین پایدار خوراک شبکه سراسری گاز کشور به‌ویژه در ماه‌های سرد سال، بیش از پیش تقویت خواهد کرد.

وی با اشاره به اینکه این پروژه اکنون وارد مرحله تازه‌ای از عمر خود می‌شود، بیان کرد: تحقق ظرفیت اسمی تولید، آغاز مرحله‌ای تازه برای تثبیت و نگهداشت تولید است.

مجری طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی افزود: در کنار ادامه حفاری و تکمیل چاه‌های باقی‌مانده، اجرای برنامه‌های فشارافزایی و آماده‌سازی ظرفیت‌های جدید، امکان حفظ تولید در سطح طراحی‌شده و افزایش ضریب اطمینان تأسیسات را فراهم خواهد کرد.

وزیر اقتصاد تأکید کرد:

لزوم تسریع در حمایت از بخش تولید و بنگاه‌های اقتصادی

وزیر امور اقتصادی و دارایی در نشست شورای هماهنگی بانک‌های دولتی، بر ضرورت تقویت هماهنگی میان بانک‌ها، ارتقای انضباط در شبکه بانکی و تسریع در حمایت از بخش تولید و بنگاه‌های اقتصادی تأکید کرد.

به گزارش زمان به نقل از وزارت اقتصاد، شورای هماهنگی بانک‌های دولتی به ریاست سیدعلی مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی، برگزار شد و در این نشست، مهم‌ترین مسائل و موضوعات مرتبط با شبکه بانکی مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه، موضوعاتی از جمله ارتقای امنیت سایبری بانک‌ها، حمایت از بنگاه‌های اقتصادی آسیب‌دیده، تأمین مالی و بازگشت بنگاه‌ها به مدار تولید و همچنین برخی مسائل مرتبط با عملکرد بانک‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مدنی‌زاده با تأکید بر اهمیت نقش نظام بانکی در تأمین مالی اقتصاد، خواستار توجه بیشتر بانک‌ها به هدایت منابع و تسریع در ارائه خدمات و تسهیلات مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی شد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی همچنین با اشاره به ضرورت هماهنگی بیشتر در شبکه بانکی، بر اجرای دقیق سیاست‌ها و تکالیف افزایش هزینه‌های زندگی، اهمیتی حیاتی دارد. اما پرسش بنیادین این است: آیا این بررسی‌ها به نتایجی ملموس و افزایش واقعی دریافتی کارگران منجر خواهد شد یا تنها یک بازنگری اداری در حد تکرار تصمیمات پیشین خواهد بود؟ نگاهی به آمارهای مرکز آمار ایران، عمق فاجعه معیشتی را به تصویر می‌کشد. نرخ تورم سالانه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها به ۶۶درصد رسیده است؛ رقمی که در مورد اقلام ضروری تکان‌دهنده‌تر است. تورم ۱۶۲درصدی روغن، ۱۲۲درصدی نان و غلات و ۹۹درصدی لبنیات، عملاً هرگونه حمایت مالی پیشین را خنثی کرده است. این وضعیت باعث شده است تا «تغییر الگوی مصرف» در جامعه رخ دهد؛ به گونه‌ای که حتی خانوارهای با درآمد بالا نیز برای تأمین نیازهای غذایی به سمت کالاهای ارزان‌قیمت سوق پیدا کنند. در چنین فضایی، کارگری که بخش اعظم درآمدش صرف هزینه‌های مالی برای حمایت از فعالیت‌های اقتصادی و تقذیه» قرار گرفته است. یکی از نقاط کور در سیاست‌های حمایتی، وضعیت کلانبرگ‌ها است. طبق ماده ۳آیین‌نامه تضمین امنیت غذایی، مبلغ این کمک‌ها باید به‌صورت فصلی ارزیابی و به‌روزرسانی شود. با این حال، از دی ۱۴۰۴تا مرداد امسال، هیچ تغییری در رقم کلانبرگ‌ها اعمال نشده است. این «انجماد حمایتی» در حالی رخ داده که قیمت‌ها در بازار به شدت نوسان داشته‌اند. اگرچه مراحل جدید شارژ کلانبرگ‌ها از ۱۵مرداد آغاز شده است، اما بدون بازنگری در مبلغ و تطبیق آن با واقعیت‌های تورمی، این حمایت‌ها تنها اثر روانی داشته و تأثیر واقعی بر سبد غذایی کارگران نخواهد داشت. تحلیل وضعیت فصلی نشان می‌دهد که مدل «تعیین مزد و مزایا در سال» دیگر با سرعت تورم ایران سازگار نیست. وقتی نرخ تورم اقلام اساسی بالای ۶۰درصد است، هرگونه تصمیمی که در شهریورماه گرفته شود، ممکن است تا مهرماه توسط دولت و دارایی، گفت: جلسانی به صورت فصلی با مدیران‌عامل بانک‌ها بصورت جداگانه برگزار میشود و در آن سیاست‌ها و مسائل مورد تأکید وزارتخانه به صورت دقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد و گزارش‌های این جلسات مبنای تصمیم‌گیری‌های وزارت اقتصاد است.

شهریور و امید کارگران به ترمیم حقوق

در انتظار شهریور؛ آیا شورای عالی کار ترمز سقوط قدرت خرید کارگران را می‌کشد؟

به گزارش زمان به نقل ازتسنیم، در حالی که تورم تک‌رقمی در کالاهای اساسی به رویایی دوردست تبدیل شده و قدرت خرید خانوارهای کارگری به شدت کاهش یافته است، اکنون چشم میلیون‌ها کارگر در تصمیمات شورای عالی کار تا پایان شهریورماه دوخته شده است. بازنگری در مزایا و به‌روزرسانی کمک‌های معیشتی، دیگر یک انتخاب رفاهی نیست، بلکه ضرورتی برای بقای طبقه کارگر در مواجهه با تورم افسارگسیخته است. طبق بند ۱۰ مصوبه شورای عالی کار، این نهاد مکلف است تا پایان شهریورماه تغییرات مزایای کارگران مشمول قانون کار را مورد بررسی قرار دهد. این بند قانونی، در واقع تنها پنجره‌ای است که جامعه کارگری برای جبران بخشی از کاهش شدید قدرت خرید خود در سال جاری به آن امید بسته است. وحید حاجی‌زاده، کارشناس روابط کار، تأکید می‌کند که بازنگری در این مزایا با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی، اهمیتی حیاتی دارد. اما پرسش بنیادین این است: آیا این بررسی‌ها به نتایجی ملموس و افزایش واقعی درآمد کارگران منجر خواهد شد یا تنها یک بازنگری اداری در حد تکرار تصمیمات پیشین خواهد بود؟ نگاهی به آمارهای مرکز آمار ایران، عمق فاجعه معیشتی را به تصویر می‌کشد. نرخ تورم سالانه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها به ۶۶درصد رسیده است؛ رقمی که در مورد اقلام ضروری تکان‌دهنده‌تر است. تورم ۱۶۲درصدی روغن، ۱۲۲درصدی نان و غلات و ۹۹درصدی لبنیات، عملاً هرگونه حمایت مالی پیشین را خنثی کرده است. این وضعیت باعث شده است تا «تغییر الگوی مصرف» در جامعه رخ دهد؛ به گونه‌ای که حتی خانوارهای با درآمد بالا نیز برای تأمین نیازهای غذایی به سمت کالاهای ارزان‌قیمت سوق پیدا کنند. در چنین فضایی، کارگری که بخش اعظم درآمدش صرف هزینه‌های ضروری می‌شود، در وضعیت «بحران تغذیه» قرار گرفته است. یکی از نقاط کور در سیاست‌های حمایتی، وضعیت کلانبرگ‌ها است. طبق ماده ۳آیین‌نامه تضمین امنیت غذایی، مبلغ این کمک‌ها باید به‌صورت فصلی ارزیابی و به‌روزرسانی شود. با این حال، از دی ۱۴۰۴تا مرداد امسال، هیچ تغییری در رقم کلانبرگ‌ها اعمال نشده است. این «انجماد حمایتی» در حالی رخ داده که قیمت‌ها در بازار به شدت نوسان داشته‌اند. اگرچه مراحل جدید شارژ کلانبرگ‌ها از ۱۵مرداد آغاز شده است، اما بدون بازنگری در مبلغ و تطبیق آن با واقعیت‌های تورمی، این حمایت‌ها تنها اثر روانی داشته و تأثیر واقعی بر سبد غذایی کارگران نخواهد داشت. تحلیل وضعیت فصلی نشان می‌دهد که مدل «تعیین مزد و مزایا در سال» دیگر با سرعت تورم ایران سازگار نیست. وقتی نرخ تورم اقلام اساسی بالای ۶۰درصد است، هرگونه تصمیمی که در شهریورماه گرفته شود، ممکن است تا مهرماه توسط تورم بلعیده شود. بنابراین، ضرورت به‌رسانی مزد و مزایا در شهریورماه نباید صرفاً به معنای یک افزایش عددی ساده باشد، بلکه باید به سمت «مکانیسم‌های به‌روزرسانی مستمر» حرکت کند. دولت چهاردهم و شورای عالی کار باید درک کنند که کاهش قدرت خرید کارگران، تنها یک مشکل اقتصادی نیست، بلکه یک چالش اجتماعی است که می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری در صنعت و افزایش نرخ فقر در میان طبقه متوسط-پایین شود. بنابراین گزارش، حمایت از کارگران در شرایط جنگ تحمیلی و فشارهای اقتصادی، یک ضرورت ملی است. بازنگری در مزایا و افزایش مبلغ کلانبرگ‌ها، اولین قدم برای بازگرداندن کرامت معیشتی به کسانی است که چرخ اقتصاد کشور را می‌چرخانند. باید دید آیا تصمیمات شهریورماه، پاسخی واقعی به مطالبات کارگران خواهد بود یا بار دیگر، جامعه کارگری با وعده‌های بررسی و بازنگری مواجه می‌شود.

کارنامه دولت در مدیریت خودرو قابل قبول نیست

دبیر انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودرو کشور با انتقاد از عملکرد دولت در مدیریت صنعت خودرو، گفت: بررسی صورت‌های مالی خودروسازان نشان می‌دهد تداوم مدیریت دولتی، افزایش بدهی و زیان انباشته و تشدید مشکلات زنجیره تامین را به دنبال داشته و بر این اساس، دولت در مدیریت صنعت خودرو کارنامه قابل قبولی ارائه نکرده است.

به گزارش زمان به نقل ازایسنا، آرش محبی‌نژاد، دبیر انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه سازان خودرو کشور - در نشست خبری با اصحاب رسانه گفت: در برخی حوزه‌های دیگر کشور، توفیقات بسیار خوبی حاصل شده است. برای نمونه، همواره درباره صنایع نظامی و موشکی صحبت می‌شود و یکی از دلایل مهم موفقیت در این حوزه‌ها، وجود فرماندهی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری متمرکز بوده و هست اما متاسفانه در صنعت خودروسازی کشور شاهد یک فرمانده واحد نیستیموی ادامه داد: بر اساس صورت‌های مالی حسابرسی‌شده، فروش گروه صنعتی ایران‌خودرو با ۵۷ درصد رشد ریالی به ۵۵۲ همت در پایان سال ۱۴۰۴ رسیده و این شرکت از نظر تعدادی نیز چهار درصد رشد داشته و فروش گروه سایپا به حدود ۱۷۰ همت رسیده که نسبت به سال قبل حدود ۱۸ درصد کاهش ریالی داشته و از نظر تعدادی نیز فروش این گروه حدود ۴۰ درصد کاهش یافته که این کاهش مستقیما به زنجیره تامین نیز منتقل و به معنای کاهش تولید و فروش قطعه‌سازان است.دبیر انجمن قطعه‌سازان تاکید کرد: زمانی که درباره مدیریت دولتی انتقاد می‌کنیم، منظور حضور مدیر دولتی نیست، بلکه انتقاد متوجه شیوه و ساختار مدیریت و سیاست‌گذاری است. حتی در ایران‌خودرو نیز بسیاری از مدیرانی که آمروز فعالیت می‌کنند، همان مدیران قبلی هستند، اما تغییر سیستم و ساختار مدیریتی می‌تواند موجب تغییر عملکرد شود. با این شرایط، سایپا مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت است و باید درباره افزایش یا کاهش سرمایه و سایر اقدامات لازم تصمیم‌گیری شود که این موضوع یک معضل جدید به مشکلات فعلی اضافه کرده است. محبی‌نژاد با بیان اینکه این کارنامه نشان‌دهنده ناکارآمدی مدیریت دولتی در خودروسازی است، اظهار کرد: دولت اگر مسئولیت مدیریتی یک بنگاه را می‌پذیرد، باید مسئولیت نتایج آن را نیز قبول کند. نمی‌توان در برابر چنین صورت‌های مالی و چنین زیان‌هایی، مسئولیت را نپذیرفت. حتی رئیس‌جمهوری نیز اخیرا بر واگذاری سایپا تاکید کرده و ما نیز سال‌هاست بر ضرورت واگذاری تاکید داریم. اما اگر قرار است خصوصی‌سازی انجام شود، باید به شکل صحیح و شفاف صورت گیرد. دبیر انجمن صنایع همگن نیرو محرکه افزود: دولت در سایپا حدود ۱۸ درصد سهام دارد، اما با استفاده از ساختار سهامداری موجود، عملا ۱۰۰ تصدی گری مجموعه را در اختیار گرفته است و اگر امکان جمع‌بندی میان نهادهای مختلف حاکمیتی برای یک خصوصی‌سازی کامل وجود ندارد، حداقل باید اجازه داده شود بخش خصوصی مدیریت سایپا را در اختیار بگیرد.محبی‌نژاد با اشاره به وضعیت بدهی دو خودروساز بزرگ کشور گفت: مجموع درآمد عملیاتی ایران‌خودرو و سایپا در سال ۱۴۰۴ حدود ۷۰۰ همت بوده و با احتساب سایر خودروسازان، این رقم به حدود ۱۱۵۰ همت می‌رسد. وی در ادامه با اشاره به وضعیت بازار خودرو اظهار کرد: برآورد ما از شکاف بازار خودرو در حداقل حالت، حدود ۸۰۰ همت و در بیشترین حالت حدود ۱۶۰۰ همت است و این شکاف به معنای تفاوت قیمت خودرو از زمان تحویل از کارخانه تا رسیدن آن به مصرف‌کننده نهایی است و بخشی از این فاصله قیمتی به حلقه‌های واسطه‌ای منتقل می‌شود که خودرو را از کارخانه دریافت کرده و در بازار به فروش می‌رسانند و در حداقل برآورد، این شکاف که حدود ۸۰۰ همت است که تقریبا با کل بدهی صنعت خودرو برابری می‌کند. دبیر انجمن صنایع همگن نیرو محرکه گفت: مطالبات تمیین تکلیف شده سررسید گذشته حدود ۷۰ همت است که حدود ۴۵ همت آن مربوط به سایپا و حدود ۲۵ همت آن مربوط به ایران خودرو است.محبی نژاد با اشاره به سال تولید خودرو در سال جاری اظهار کرد: در سه ماه نخست امسال تولید انواع خودرو در بخش سواری حدود ۳۵ درصد و مجموع تولید انواع خودرو حدود ۳۴ درصد از نظر تعدادی کاهش داشته است.وی گفت: در سال گذشته از ۱۲ میلیارد دلار ارز اختصاص یافته به صنعت خودرو تنها ۳۵ میلیارد دلار آن به صنعت داخلی خودروسازی اختصاص یافته و ایران‌خودرو، سایپا و سایر خودروسازان در سال ۱۴۰۴ در مجموع حدود یک میلیون و ۵۸۰ هزار دستگاه خودرو تولید کردهاند و سهم ارزش فروش سایر نسبت به خودروسازان داخلی ۶۵ درصد است در حالی که سهم تعداد تولید آنها نسبت به دو خودروساز داخلی تنها ۲۵ درصد است و سوال اصلی این است که این ارز دقیقا به چه بخش‌هایی تخصیص یافته و چه میزان از آن وارد تولید داخل شده است.دبیر انجمن قطعه‌سازان افزود:اگر گفته می‌شود ۱۲ میلیارد دلار ارز به صنعت خودرو اختصاص یافته، باید مشخص شود این رقم به چه کسانی، برای چه مصارفی و در چه حوزه‌هایی اختصاص یافته است. ما با واردات مخالف نیستیم و بارها نیز اعلام کرده‌ایم که واردات می‌تواند انجام شود، اما ارز مربوط به واردات نباید به حساب تولید داخل گذاشته شودوی در پایان تاکید کرد: صنعت خودرو نیازمند سیاست‌گذاری شفاف، فرماندهی منسجم و تفکیک دقیق منابع ارزی اختصاص‌یافته به تولید و واردات است. بدون اصلاح ساختار مدیریت و تعیین تکلیف نحوه تخصیص منابع، ادامه وضعیت فعلی فشار بیشتری را به زنجیره تامین و قطعه‌سازان وارد خواهد کرد.

ورود صندوق ملی مسکن به بافت فرسوده

مقام مسئول وزارت راه از طراحی برنامه ورود به تأمین مالی نوسازی بافت فرسوده و پرداخت وام قرض‌الحسنه خبر داد.

به گزارش زمان به نقل ازتسنیم، خسرو مختاری رئیس هیئت عامل صندوق ملی مسکن با یادآوری اینکه صندوق ملی مسکن تاکنون در بافت‌های فرسوده فعالیتی نداشته است، اظهار کرد: با رویکرد جدید وزارت راه و شهرسازی صندوق ملی مسکن با توجه به وظیفه خود در زمینه تخصیص بهینه منابع مالی، ظرفیت‌های موجود در بافت‌های فرسوده، تقاضای بالقوه و همچنین تأسیسات زیربنایی و زیرساخت‌هایی را که می‌تواند به تسریع اهداف پروژه‌ها کمک کند، مورد توجه قرار داده است.وی افزود: طرح‌هایی داریم که در بافت‌های فرسوده، شهرهای شهر برای آنها امتیازات ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاران در نظر گرفته‌اند. مختاری ادامه داد: در این طرح‌ها کسانیکه با منابع مالی خود اراضی را تملک کنند و با رضایت ساکنان این بافت‌ها، ظرفیت تولید واحدهای مسکونی را ارتقا دهند، از ظرفیت نهاد توسعه‌گر و مشارکت‌کنندگان- یعنی ساکنان و خریداران‌که جامعه هدف هستند استفاده خواهد شد. وی با بیان اینکه با نوسازی بافت‌های فرسوده و استفاده از ظرفیت تراکم، ظرفیت‌های جدیدی ایجاد می‌شود، گفت: در پروژه‌های بافت فرسوده بنا داریم پس از اخذ مجوز هیئت امنا کمک کنیم، کمک صندوق قبل صرفاً در قالب پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه خواهد بود.رئیس هیئت عامل صندوق ملی مسکن تصریح کرد: کسی که می‌خواهد واحد مسکونی خود را در این طرح به مشارکت بگذارد، یکی از دغدغه‌هایش این است که در دوره ساخت که معمولاً حدود دو سال به طول می‌انجامد، بتواند محل سکونتی را اجاره کند. بخشی از منابع مالی این موضوع را به‌عنوان کمک در نظر می‌گیریم. وی ادامه داد: بخشی از منابع را نیز به سازنده تضمین می‌دهیم؛ به این صورت که اگر واحد اضافه داشته باشد، مشروط به حفظ زمان، کیفیت و قیمت اعلام‌شده و توافق‌شده برای خریداران این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها تضمین بازار ایجاد می‌کنیم و به خریداران شهر مصوبه‌های خاصی داشته باشند و در توافقنامه با صندوق، تضمین‌هایی برای جذب سرمایه‌گذار ارائه کنند.

نگاه روز

دولت مراقب «تله گران‌سازی» باشد

با رفتن بیش از ۴۰ درصد از جمعیت کشور به زیر خط فقر، کشور به فقر فراگیر دچار شده و با کنترل قیمت کالاهای اساسی می‌توان تا حدی جلوی این روند فقرگستر را گرفت.

آخرین گزارش‌های رسمی تورم که از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار منتشر شده با وجود کاهش نسبی نرخ تورم ماهانه و تورم نقطه به نقطه، روند فزاینده بر نرخ تورم سالانه حاکم است و موجب شده تا براساس محاسبات مرکز آمار ایران نرخ تورم ماهانه به ۶۶ درصد رسیده است. این نرخ پس از سال ۱۳۲۲ که ایران در اشغال متفقین بود، بالاترین تورم تجربه شده در ایران محسوب می‌شود. علی قنبری، معاون پیشین وزارت جهاد کشاورزی گفت: کاهش تورم ماهانه برای یک ماه یا کاهش ۰۷ - درصدی تورم نقطه به نقطه در شرایطی که نرخ تورم ۸۷ و ۸۸ درصد است را نباید اتفاقی مهم و چشمگیر دانست. در شرایطی که تورم به وضعیت ابرتورم رسیده، چیزی که ما امروز در کشورمان با آن مواجه هستیم، کاهش یک ماهه تورم چیز مهمی محسوب نمی‌شود و این تغییرات مستمر بلندمدت است که می‌تواند قابل اتکا به حساب آید. او ادامه داد: کاهش نسبی تورم در تیرماه و رسیدن آن به ۳.۱ درصد که توسط مرکز آمار اعلام شده را نباید یک اتفاق چشمگیر به حساب آورد زیرا تنها در یک ماه از ۱۲ ماه سال کاهشی نسبی رخ داده است. این میزان کاهش بیش از ماه‌های تورم ماهانه بیش از ۵ درصد، تاثیر مهمی بر روند تورم سالانه که شاخص اصلی تورم و مهم‌ترین ملاک جهش قیمت‌ها است نخواهد داشت. مگر این که تورم ماهانه برای چندین ماه پی در پی کاهنده باشد و ادامه یابد که به نظر نمی‌رسد. ما در این مسیر قرار گرفته باشیم.تورم ۳.۱ درصدی در ماه به معنای آن است که نرخ تورم سالانه به بیش از ۴۰ درصد خواهد رسید و این امر موجب می‌شود تا این نرخ تورم را چندان نتوان جدی گرفت. این در حالی است که در اردیبهشت ماه تورم ماهانه ۸۸ درصد اعلام شده بود. اگر برای یک سال مداوم تورم ماهانه ۹ درصد باشد، در پایان سال نرخ تورم سالانه به بیش از ۱۰۰ درصد خواهد رسید. قنبری در این باره گفت: واقعیت این است که رسیدن به یک تورم ماهانه بیش از ۳ درصد، در شرایط عادی نه تنها یک دستاورد نیست که یک آغاز یک بحران است. متاسفانه چنان نرخ تورم در اقتصاد ما رها شده و بالا می‌رود که دست یافتن به این ارقام بالا برای برخی، یک دستاورد محسوب می‌شود. برای این که وضعیت تورم در کشور عادی شود باید نرخ تورم ماهانه بیش از این‌ها کم شود و نرخ فعلی هم هنوز نرخ بسیار بالایی به حساب می‌آید. وی درباره تورم فعلی کشور توضیح داد: در آخرین گزارش مرکز آمار تورم سالانه در حالی به ۶۶ درصد رسیده که نسبت به خرداد ماه رشدی ۴ درصدی داشته و بالاترین تورمی است که در دهه‌های اخیر تجربه کردیم. این نرخ به واقع یک نرخ نگران کننده است و شدت تورمی که مردم‌گیران، کارگران و اقشار میانی و پایینی حس می‌کنند به مراتب بیشتر از تورم اعلامی است.او ادامه داد: این نرخ ۶۶ درصدی علاوه بر این‌که یک نرخ بی سابقه است، به معنای آغاز عصر ابرتورم در کشور ماست. به طور کلی تورم بیش از ۵۰ درصد را می‌توانیم «ابر تورم» بنامیم؛ از اسفند ۱۴۰۴ تورم سالانه به بیش از ۵۰ درصد رسید و در ماه‌های آینده هم به نظر می‌رسد از نرخ فعلی ۶۶ درصدی فراتر رود. در این شرایط از دولت انتظار می‌رود فلسفه تر عمل کند. تیم اقتصادی دولت باید برای رفع این چالش چاره‌جویی کند. به طور خاص بانک مرکزی و وزارت اقتصاد می‌توانند با تحول در سیاستگذاری پولی و مالی، جلوی این روند فزاینده را بگیرند.گفتنی است از سال ۱۳۱۶ که نرخ تورم سالانه در ایران محاسبه شده تنها در سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳، همزمان با اشغال ایران به دست متفقین، تورم به بیش از نرخ فعلی رسید و به این ترتیب تورم ۱۴۰۵ بالاترین تورم ایران در ۸۳ سال گذشته به حساب می‌آید. در ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ به ترتیب تورم سالانه ۹۶.۲ درصد و ۱۱۰۵ درصد محاسبه شده است. سال ۱۳۲۲ تنها سالی است که در ایران معاصر تورم سه رقمی شده بود. دولت به دلیل جنگ و محاصره اقتصادی از نظر درآمد و منابع دچار مضیقه بزرگی شده است. همین کمبود منابع تبدیل به بهانه‌ای شده که دولت دست به افزایش قیمت‌ها بزند. یک ماه پیش دولت اجازه افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت نان را داد و اخیرا هم شنیده می‌شود که بنا است نرخ سوم بنزین را هم افزایش دهند. در شرایطی که دونالد ترامپ تمام تلاش خود را برای کاهش قیمت بنزین به کار بسته، در ایران به بهانه‌های مختلف دولت می‌خواهد افزایش قیمت بنزین را توجیه کند.در این باره قنبری گفت: دولت مراقب «تله گران‌سازی» باشد. این افزایش قیمت‌ها به گرانی بیشتر و تورم بالاتر منجر می‌شود. در حالی که از دولت انتظار می‌رود هم و غم خود را بر کاهش تورم بگذارد، با این اقدامات دولت در عمل مسیر جهش‌های بیشتر هموار شده است. افزایش قیمت نان به عنوان یکی از اساسی‌ترین کالاهای مصرفی مردم با نرخ حامل‌های انرژی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر تورم، نشان‌دهنده درک اشتباه تیم اقتصادی دولت است از نظر عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس دولت باید تمام تلاش خود را بر تثبیت قیمت کالاهای اساسی بگذارد. او به سیاست ارزی اشاره کرد و گفت: دولت با حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، به جای تثبیت سیاست گرانی بنگاهی را در پیش گرفت. این که قیمت ارز واردات کالاهای اساسی یا دارو بنگاهی گران شود، به معنای کنترل تورم نیست و هر چقدر قیمت ارز بالا برود، فشار معیشتی به مردم هم بیشتر می‌شود. دولت به دلیل کمبود منابع دست به آش شوک ارزی زد اما هر توجیهی هم که پشت این اقدام نامی تمام‌اند اثر تورمی آن را پنهان کند.از زمان حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، تا به امروز نرخ ارز واردات کالاهای اساسی به نحوی چشمگیر افزایش پیدا کرده و در عرض چند ماه از حدود ۱۱۰ هزار تومان به حدود ۱۶۰ هزار تومان رسیده که سبب تداوم تورم مواد خوراکی شده است.از نظر ممانون پیشین وزارت جهاد کشاورزی مدامی‌که تحریم، جنگ و محاصره دریایی وجود دارد، کمبود منابع هم ادامه خواهد داشت اما از دولت انتظار می‌رود با سیاستگذاری شدت فشارها بر مردم را کاهش دهد.نه این‌که با اجرای برخی اقدامات فشارهای معیشتی را بالاتر ببرد.قنبری در مورد مسئول این وضعیت اقتصادی گفت: فشارهای خارجی حتما موثر هستند اما نقش تیم اقتصادی دولت و به طور خاص بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت رفاه در بحران فعلی بیش از دیگر بخش‌ها است. با مشکلاتی که در تامین کالاهای اساسی، ارز و سرکوب مداوم دستمزدها داریم، دولت نباید اجازه افزایش قیمت‌ها را بدهد و وزارت جهاد کشاورزی هم باید تلاش کند جلوی این روند را بگیرد. متاسفانه چنین اقداماتی دیده نشده است. اخیرا مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به بررسی روند فقر در ایران پرداخت. بر این اساس نرخ فقر که در سال ۱۳۹۰ کمتر از ۲۰ درصد ایران را بر می‌گرفت، یعنی از هر ۵ ایرانی یک نفر فقیر بودند، در ۹۸ به ۳۰ درصد رسید یعنی از هر سه ایرانی یکی فقیر به حساب می‌آید. بازوی پژوهشی مجلس معتقد است در ۱۴۰۵ جمعیت فقیر به ۴۱ درصد رسیده و پیش‌بینی کرده تا ۱۴۰۷ بیش از ۴۵ درصد از مردم ایران فقیر به حساب آیند. یعنی در یک فاصله ۱۷ ساله جمعیت فقیر که از هر ۵ ایرانی یک نفر را به خود دچار کرده بود، در ۱۴۰۷ از هر دو ایرانی حدودا یکی را به فقر دچار خواهد کرد. در این باره قنبری توضیح داد: متاسفانه این روندی که مرکز پژوهش‌های مجلس بررسی کردند، با واقعیات جامعه ما خوانایی دارد. ما به سرعت دچار یک فقر فراگیر شده‌ایم و حالا جمعیت فقرا به مراتب بیش از طبقه متوسط شده است. این امر توسعه را دچار چالش‌های اساسی خواهد کرد زیرا یک جامعه‌ای که در این سطح درگیر فقر است، پیش از آن‌که بتواند به توسعه برسد باید با روند فقرزدایی مواجه شود که بسیار پر هزینه است.امتیاز: خبرآنلاین

zamanagahi@chmail.ir